

آیا گسترهٔ خشکی‌ها در انزلی کم شده است؟

باران؛ مسکن موقت تالاب انزلی

«۱۳۵ کیلومتر مربع از تالاب انزلی پر از آب شد. این عدد که به اندازه مساحت شهر کرج است از آخرین تصاویر ماهواره‌ای به‌دست آمد. تابستان پارسال تالاب انزلی تقریباً خشک شده بود.» این خبری بود که اخیراً در رابطه با آخرین وضعیت تالاب انزلی منتشر شده است. در ادامه این خبر آمده که تالاب انزلی در شش ماه گذشته به استناد تصاویر ماهواره‌ای اردیبهشت‌ماه جان گرفته است. طبق آخرین خبر های منتشر شده در رابطه با تالاب انزلی، برخی کارشناسان و رسانه‌ها به قدری وضعیت این تالاب را اسفناک ترسیم کرده بودند که روزشمار خشک شدن این تالاب آغاز شده بود. امروز اما خبری مبنی بر پر آب شدن یکباره این تالاب در رسانه‌ها در حال بازنشر شدن است. تالاب انزلی اما در حال حاضر در چه وضعیتی قرار دارد؟

ا چرا تالاب انزلی امروز ناخوش است؟

شهر رشت از گذشته‌های دور بین دو رودخانه گوهر رود و زرجوب متولد شد. در این دو رودخانه بیشتر از ۲۰۰ میلیون متر مکعب آب جاری بود. حالا، اما بهشت زیبا و خوش آب و هوای رشت رو به اضمحلال می‌رود و گوهر رود و زرجوب آکنده از لجن و فاضلاب است. لجن و فاضلابی که پساب زیست شهری است و به دورگ حیاتی رشت می‌ریزد. فاضلاب شهری از گوهر رود و زرجوب به سمت رودخانه پیر بازار روانه می‌شود و از آنجاسر از تالاب انزلی در می‌آورد.

آن طور که کارشناسان زیست محیطی محلی استان گیلان می‌گویند، ظاهراً رسوبات ۵۰ ساله فاضلاب شهری، کشاورزی و صنعتی نفس تالاب انزلی را به شماره انداخته و عمق این تالاب از ۱۰ متر در سال‌های پیش از انقلاب به کمتر از ۵۰ سانتی متر رسیده است و در برخی نقاط عمق تالاب از بین رفته است.

همچنین اسفندماه سال گذشته بود که استاندار استان گیلان در نشست خبری خود خبر داد که در هفته‌های گذشته نزدیک به سه میلیارد متر مکعب آب از طریق بارش‌ها به گیلان سرزیر شده است. حجم آبی که تقریباً حدود سه برابر مصرف آب شرب یک سال مردم تهران است، اما تالاب انزلی پر شده و جایی برای ذخیره این حجم آب ششیرین وجود نداشت. در نتیجه این حجم آب، به صورت سیلاب‌های ویرانگر ظاهر می‌شود. انباشت ۵۰ ساله فاضلاب در تالاب انزلی سبب نگرانی برای سلامتی مردم منطقه شده است. هادی حق‌شناس، استاندار گیلان، توضیح می‌دهد که فقط در عمق پنج متری تالاب انزلی با وسعت ۲۰۰ هزار متر مربع، حدود یک میلیارد متر مکعب پساب انباشت شده است و اگر تمام تجهیزات لایروبی کشور در استان گیلان به کار گرفته شود، فقط می‌تواند ۳۰ میلیون متر مکعب پساب را لایروبی کند و حالا وضعیت لایروبی تالاب انزلی هم به شرایط وخیمی رسیده است. به گفته حق‌شناس، راهکار جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع تالاب انزلی احداث تصفیه‌خانه فاضلاب در شهر رشت، صومعه‌سرا و انزلی است که برای احداث تصفیه‌خانه در این سه شهرستان، ۳۰۰ میلیون دلار (معادل ۲۰ هزار میلیارد تومان) اعتبار نیاز است.

از طرفی دیگر، دو گیاه آژولا و سنبل آبی به بالای جان تالاب انزلی تبدیل شده‌اند. سنبل آبی از ۱۰ گونه گیاه مهاجم دنیاست که پس از ورود به اکوسیستم آبی ظرف مدت ۲ هفته جمعیت خود را به میزان ۲ برابر افزایش می‌دهد آنگونه که هر متره آن با ۲۰ گل می‌تواند سه هزار دانه تولید کرده و هر دانه آن بین پنج تا ۲۷ سال زنده می‌ماند.

سنبل آبی هم مانند آژولا، دسته‌گل دیگری بود که با عنوان گونه زینتی در اکوسیستم آبی کشور رها شد اما این گیاه خطرناک‌تر از آژولا ست. تکثیر و رشد



تالاب منتهی می‌شوند، وارد تالاب می‌شود. این آب از یک طرف دیگر خارج می‌شود، یعنی اینطور نیست که ماندگار باشد. به دلیل اینکه کاسه خود تالاب از رسوب انباشته است آب پهن و پخش می‌شود. با توجه به اینکه یک اختلاف تراز یک و نیم تا دو متری بین دریا و تالاب وجود دارد، به دلیل پسروی دریای خزر و همچنین کاهش تراز، این آب از سمت غرب به سمت شرق حرکت می‌کند و از محوطه اداره بندر وارد دریا می‌شود.»

این فعال محیط زیستی افزود: «از طرفی، الان در فصل کشاورزی هستیم و خود کشاورزها در جوار تالاب موتور پمپ می‌گذارند و از آب این تالاب برای کشاورزی استفاده می‌کنند. بعضاً بسیار زیاد در مسیر رودخانه‌هایی که حقایه تالاب باید واردش شود، آب تالاب کامل برداشت می‌شود. یعنی آبی که باید از رودخانه‌ها به تالاب وارد شود، کامل برداشت می‌شود. نمونه‌اش رودخانه سیاه در ویشان است که چندین سال پشت سر هم در تابستان کاملاً خشک می‌شود و یک قطره آب هم در آن نیست، در حالی که سال‌های گذشته چنین مشکلی وجود نداشت. بنابراین آبی که الان وارد شده، ماندگار نیست. آب تراز نسبت به سال‌های قبل بالاتر است، ولی تا دو ماه دیگر که وسط تابستان باشیم، این آب کاملاً از تالاب خارج می‌شود.»

بزرگ‌ترین معضل تالاب انزلی ورود فاضلاب است

وی عنوان کرد: «تالاب انزلی در حال حاضر بزرگ‌ترین معضالش ورود فاضلاب است. فاضلاب شهرهای رشت و انزلی مستقیم وارد تالاب می‌شود، از طریق رودخانه‌ها یا بعضاً در خود شهر انزلی از طریق کانال‌های موجود. الان تالاب دچار حالت اشباع شده از مواد آلی است. راهکارش این است که هر چه سریع‌تر تصفیه‌خانه فاضلاب بهداشت را راه‌اندازی شود تا جلوی ورود فاضلاب به تالاب گرفته شود. آبخیزداری در بالادست تالاب باید اتفاق بیفتد تا جلوی ورود رسوبات و شسته‌شدن خاک و حجم بالای مواد معدنی که با

آن بالا بوده و مانند گونه قبل سطح آب را می‌پوشاند تا مانع ورود نور و اکسیژن به داخل آب شود؛ لجن آلی که این گیاه تولید می‌کند پهنه‌های آبی را می‌خشکاند. کارشناسان معتقدند گیاه مهاجم سنبل آبی نه تنها تالاب انزلی را می‌خشکاند بلکه تمام رودخانه‌های منتهی به دریای کاسپین در غرب و شرق استان را از بین می‌برد و در حال حاضر تمام رودخانه‌های استان به این گیاه آلوده شده است. برنامه توسعه سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران، آذرماه سال گذشته اعلام کرد که دولت ذابن مبلغ ۶۹۰ میلیون ین را به منظور ارتقای مدیریت تالاب‌ها و افزایش تاب‌آوری اقلیمی در تالاب‌های دریاچه ارومیه، شاذگان، پریشان و انزلی اختصاص داده است.

از سال ۲۰۱۴، ذابن یکی از شرکای کلیدی دولت ایران و برنامه توسعه سازمان ملل متحد در حمایت از مدیریت پایدار منابع طبیعی در حوضه آبریز تالاب‌ها و تنوع بخشی به معیشت جوامع وابسته به تالاب‌ها بوده است.

در مراسم امضای قرارداد در تاریخ ۱۱ آذر ۱۴۰۳، دولت ذابن و برنامه توسعه سازمان ملل متحد یادداشت‌های تفاهمی را برای اجرای «پروژه توسعه سیستم حفاظت از تالاب‌ها در دریاچه ارومیه و سایر تالاب‌ها به همراه جوامع پیرامونی آن‌ها» امضا کردند. این پروژه از سال ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۸ به‌طور مشترک با همکاری سازمان حفظ محیط‌زیست و سازمان خوار بار و کشاورزی ملل متحد (فائو) اجرا خواهد شد. اکنون باید دید که این بودجه برای احیای تالاب انزلی چگونه خرج می‌شود؟

فعال محیط زیست: آب در تالاب انزلی ماندگار نیست

محمد معرو، فعال زیست محیطی درباره وضعیت امروز تالاب انزلی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «با توجه بسه بارندگی‌های فصلی که در اردیبهشت‌ماه اتفاق می‌افتد، چیز عجیبی نیست. یعنی هر ساله این اتفاق می‌افتد و حجم زیادی آب از طریق بالادست حوزه دریا و انزلی و رودخانه‌هایی که به

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که ایران دررتبه سوم نبود ایمنی برای کارگران در جهان قرار دارد

کارگران بدون ایمنی مشغول کارند

قدرت درتشکل‌های کارگری است

امیر خراسانی معتقد است تشکّل‌های قوی کارگری می‌توانند نجات‌بخش کارگران باشند. او در این باره می‌گوید: «اگر کارگران، تشکل‌های کارگری قوی داشتند، می‌توانستند بگویند تا زمانی که ایمنی کارگران تأمین نشود دیگر به کار ادامه نمی‌دهند. می‌توانستند در برابر این همه نیروی کار از دست‌رفته اعتراض کنند. زمانی که بانیریو کار قرارداد نمی‌دهند، زمانی که قراردادهای دائمی وجود ندارد یا مثلاً قراردادهای دو سه‌ماهه بسته می‌شود، در چنین شرایطی چه تشکلی می‌تواند تشکیل بشود؟ یعنی از یک طرف همه کار شده تا تشکل‌های کارگری شکل بگیرد، در چنین وضعیتی نیروی کار بی ثبات شده است. ما تا امروز برای کارگران چه کار کردیم؟! ما هیچ کاری نکردیم، بالاخره می‌بایست کار مقاماتی انجام می‌شد که انجام نشده است. مثل این می‌ماند تیم فوتبال تشکیل بدهید و بخواهید با تیم ملی مسابقه بدهید. در تیم‌تان از آدم‌هایی که ۵۰ کیلو اضافه‌وزن دارند و ۲۰ سال‌است که ورزش نکرده‌اند استفاده کنید، معلوم‌است در این مسابقه می‌بازید. در این وضعیت کسی نمی‌تواند بپرسد چرا باخته‌ای؟!»

تلفات کارگری به امرملی تبدیل نمی‌شود

خراسانی معتقد است نظام سیاسی و رسانه‌ای نسبت به تلفات کارگری سکوت کرده و تلفات کارگری چندان به امر ملی تبدیل نمی‌شود: «کارگران هیچ قدرتی ندارند، در واقع قدرت از دل مناسبات سیاسی تولید می‌شود. برای مثال در حادثه تاج خانم مهسا امینی، این اتفاق در یک لحظه به مسئله ملی تبدیل نشده است؛ بلکه قبل از آن نیروهای سیاسی در کشاکش و تقابل بودند و در آن لحظه تلخ مناسبات سیاسی امکان ظهور و بروز در عرصه عمومی را پیدا می‌کنند. جان یک نفر در این مناسبات می‌تواند به امر عمومی تبدیل می‌شود. اما فرض کنید در همان ساختمانی که حادثه برای خانم امینی رخ می‌دهد، در کنار آن، فکر کنید در همان ساختمان که آن فرد جان خود را از دست داد دو کارگر برای تعمیرات می‌رفتند و از ارتفاع به پایین می‌افتادند و جان خود را از دست می‌دادند؛ مطمئن باشید هیچ اتفاقی در عرصه عمومی رخ نمی‌داد. ما این همه ماجرای تلخ کارگری داریم؛ ماجراهای تلخ معادن، ماجراهای تلخ بندر و... ما فاجعای بزرگ و گل درشت کارگری داریم. برای این فجایع مگر چه شد؟! ما دامی که سیاست نسبت به این مسائل ساکت است، اتفاقی رخ نمی‌دهد.»

مهم‌ترین مسئله کارگران سلامت است

امیر خراسانی در خصوص وضعیت سلامت کارگران و عمرهایی که در این حوزه فرسوده می‌شود، بیان کرد: «برای عرصه سیاست، کارآفرین بسیار مهم است. اگر یک کارآفرین وام بگیرد، صدای اعتراض او در می‌آید، روزنامه‌ای خبرگزاری‌های بسیاری پیگیر این اتفاق می‌شوند، می‌گویند این کارآفرین آسیب دید، خسارت دید؛ البته من نمی‌خواهم دوگانه‌سازی کنم، ولی بالاخره جامعه

آب رودخانه به تالاب حمل می‌شود، گرفته شود. در کنار این، باید پروژه‌های دیگری مثل احداث تله رسوب‌گیر و جمع‌آوری گیاه مهاجم و غیر بومی سنبل آبی هم اتفاق بیفتد تا وضعیت تالاب پایدار شود. در حال حاضر، تالاب به دلیل رشد زیاد گیاهان در فصل تابستان و کاهش اکسیژن محلول در آب، حالت خفگی به دست می‌آورد و بسیاری از ماهی‌ها هر سال در تابستان مرگ و میر را تجربه می‌کنند.»

برای حل مشکلات تالاب باید اولویت‌بندی کرد

این فعال محیط زیستی در رابطه با راه‌های احیای تالاب انزلی نیز گفت: «اولین گام حیاتی در احیای تالاب، جلوگیری از ورود فاضلاب به آن است. فاضلاب‌ها منبع اصلی آلودگی و افزایش مواد مغذی مانند نیتрат و فسفات هستند که به رشد گونه‌های گیاهی مضر کمک می‌کنند. پس از کنترل فاضلاب، باید ورود رسوبات معدنی به تالاب نیز محدود شود تا از تغییرات زیست محیطی و کاهش کیفیت آب جلوگیری شود. همچنین گونه‌های غیر بومی مانند سنبل آبی و حتی برخی از گونه‌های بومی که به دلیل وجود مواد غذایی افزایش یافته‌اند، باید مدیریت شوند. این کنترل به بازگشت تالاب به حالت متعادل کمک می‌کند.» وی ادامه داد: «برداشت‌های غیر مجاز آب و منابع طبیعی باید به شدت کنترل شود. دستگاه‌های مسئول باید نظارت بیشتری روی این فعالیت‌ها داشته باشند. در فصل تابستان، با خشک شدن بخش‌هایی از تالاب، نظارت دشوار می‌شود، بنابراین باید راهکارهای مؤثری برای نظارت در این شرایط ارائه شود. جلوگیری از افزایش سطح زیر کشت در حاشیه تالاب یکی دیگر از اقدامات ضروری است. برخی افراد سعی می‌کنند بستر خشک شده تالاب را تصرف کنند، بنابراین باید طرح کاداستری برای تعیین محدوده تالاب هر چه سریع‌تر اجرایی شود. اداره منابع آب باید روی کنتورهای برداشت آب نظارت دقیقی داشته باشد تا از برداشت‌های غیر مجاز جلوگیری کند. بسیاری از موتور پمپ‌ها بدون مجوز مشغول به کارند که این موضوع نیازمند توجه ویژه است.»

معرو عنوان کرد: «آبدار شدن و حفظ رطوبت تالاب تأثیر زیادی بر خدمات اکوسیستمی آن دارد، از جمله تکثیر ماهیان و حفظ حیات جانوری. در فصل بهار و تابستان، پرندگان جوجه‌آور به تالاب وابسته‌اند و کمبود منابع غذایی می‌تواند باعث ترک منطقه توسط آن‌ها شود. در نهایت، همکاری بیشتر بین سازمان حفاظت محیط زیست و اداره امور منابع آب ضروری است تا نظارت روی این موارد تشدید شود و اقدامات مؤثری برای احیای تالاب انجام گیرد.» وی همچنین به بودجه تفاهنامه با ذابن نیز اشاره کرد و گفت: «یک اعتبار انسک ۱۵ میلیارد تومانی وجود دارد که از طریق کمک‌های دولت ذابن به طرح حفاظت از تالاب‌های ایران و انزلی اختصاص پیدا می‌کند. خیلی مایل بودم که محیط زیست مشخص کند با این پول می‌خواهد چه‌کار کند. چیزی که حالا ما شنیدیم این است که قرار است در شش روستای حاشیه تالاب کارهایی را با جوامع محلی انجام دهند. ولی داستان این است که باید اهم و مهم کرد. الان مثلاً یکی از مشکلات تالاب انزلی همان بحث سنبل آبی است که باید جمع‌آوری شود و همیشه برای آن مشکل اعتبار وجود دارد. من فکر می‌کنم استفاده از پتانسیل جامعه محلی، به ویژه کسانی که قایق دارند و قایقران هستند و گردشگر در تالاب جابه‌جا می‌کنند و این‌ها با وجود این گیاه مسیصرهای ترودشان دچار مشکل شده‌اند؛ با به کارگیری این افراد و کمک گرفتن از آن‌ها برای جمع‌آوری این گیاه و حتی پرداخت هزینه تا حدود زیادی می‌توان سنبل آبی را کنترل کرد. امیدوارم که این بودجه مثل بودجه‌های دیگر حیف و میل نشود و حداقل نتیجه مشخصی داشته باشد.»

ایران بخش زیادی نیروی دستمزدی دارد. اما تنها نیروهای دستمزدی که جانشان از دست رفته را می‌شماریم، عمرهایی که کوتاه‌شده را نمی‌شماریم؛ یعنی حجم زیادی از نیروی کار به‌خاطر این کار ممکن است معتاد شوند، آسیب‌های جدی روانی ببینند، آسیب‌های جدی جسمی ببینند، سلامتی‌شان، عمران‌شان کم‌شود، ریه‌هایشان در معرض سموم قرار گیرد، ممکن است سرطان بگیرند و انواع و اقسام بیماری‌ها؛ اما این‌ها هیچ‌گاه شمرده نمی‌شوند. این اتفاق می‌بایست باعث شرمساری همه کسانی که در واقع به نحوی در حوزه سیاست در ایران هستند، باشد. شرمساری امر ملی است دیگر. هیچ چیزی مهم‌تر از کار نیست؛ کار عنصر ملی است دیگر. بی‌تردید این توجه، اقتصاد دارد؛ اقتصاد توجه ایجاد می‌کند که برای دیده شدن باید بتوانید مسئله کار و کارگر را بردارید، بیاورید و حوزه و عرصه سیاست، سپس، مهم‌تر از این کار به کار و کارگر قدرت بدهید تا این افراد بتوانند راجع به خودشان حرف بزنند، راجع به خودشان کار کنند، راجع به مسائل خودشان اعتراض کنند. برای مثال، پزشکان، تشکل قوی‌ای دارند؛ آن تشکل قوی می‌تواند باز زنگی کند، ترجمه‌شود در سیاست، مطالبات سیاسی‌را پیگیری کند. تاجر و بازرگانان هم تشکل دارند؛ تا یک قانونی تصویب بشود، می‌آیند موضع می‌گیرند، این قانون به نفع ماست یا به ضرر ماست. وکلا هم تشکل دارند؛ حتی قانون صنفی وکلا مگر وجود دارد؟ آن‌ها روز دارند. نیروی کار، نیروی کار دستمزدی هم می‌بایست در حوزه‌های مختلف، چنین زوری پیدا کند. تشکل زور پیدا می‌کند. آن وقت، مثلاً تشکلی که ۵۰۰ نفر، ۱۰ هزار نفر، ۱۵ هزار نفر عضو داشته باشد، در انتخابات تعیین‌کننده می‌شود. نمایندگانی که می‌خواهند نماینده مجلس بشوند، می‌روند سراغشان. آن‌ها می‌گویند که آقا به این شرط ما ۱۵ هزار تارای را به شما می‌دهیم که شما فلان کار را برای ماں بکنید. مهم‌تر از همه، تشکل، زمانی که زور پیدا می‌کند، می‌تواند سر سلامت خودش چانه بزند. مهم‌ترین مسئله کارگر سلامت است.»

موانع تشکیل تشکل‌های کارگری

وی با اشاره به این نکته که یکی از مسائلی که باعث شده کارگران تشکل‌های قوی نداشته باشند بیش از حد امنیتی شدن است، گفت: «یک بخشی از دلایل عدم تشکّل تشکل‌های کارگری، دلایل امنیتی است؛ یعنی مسئله، برخلاف تشکل‌های دیگر، مسئله تشکل‌های کارگری بیش از حد نظارتی شده‌اند. دومین مسئله، خود قانون کار است. شما کارگر که باشید، خیلی از کارگران ۳ ماه قرارداد دارند، بعضی‌ها روز مزد هستند، خیلی‌های دیگر هم اصلاً قرارداد ندارند. وقتی فردی قرارداد ندارد، طرف عضو چه تشکلی بشود؟ با چنین وضعیتی صاحب‌کار راحت می‌تواند فرد را اخراج کند. علاوه بر مسئله نظارتی، مسئله حقوقی کارگران هم مانع جدی دیگری است. اگر در این حوزه معدن که همه کارگران می‌دانستند دستگاه مربوط به اکسیژن وجود ندارد و احتمال خفگی وجود دارد، اگر قدرتی داشتند، نمی‌رفتند؛ می‌گفتند تا این دستگاه نیاپد ما نمی‌رویم و زنده می‌ماندند.»